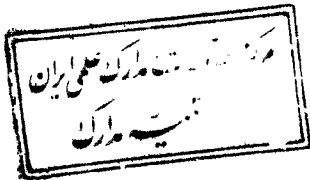


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۱۳۳۸ / ۴ / ۳۰

دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری

پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

موضوع: اعلامیه جهانی حقوق بشر از نظر فقه اسلامی

به راهنمایی استاد ارجمند جناب آقای دکتر سید مهدی صانعی

استاد مشاور: استاد محترم حجه الاسلام و المسلمین آقای عبدالکریم عبداللهی نژاد

نگارش: سید مرتضی اخلاقی فیض آبادی

بهمن ۷۵

۲۰۱۳/۱

# فهرست مطالب

۱	مقدمه
	<b>فصل اول: انسان از دیدگاه اسلام و غرب</b>
	<b>پیشگفتار</b>
۲۹	تناقض میان اعلامیه حقوق بشر و ارزیابی انسان در فلسفه غرب
۳۲	تناقض گویی غرب درباره انسان
۳۳	تفاوت دیدگاههای اسلام و مکاتب رایج امروز در مورد انسان
۳۵	انسان در قرآن
۳۶	ارزشهای انسان
۴۰	ضد ارزشهای انسان
۴۱	آیا انسان زشت است یا زیبا
۴۲	آیا مجازات قصاص و حدود با کرامات انسانی مغایر است؟
۴۴	رابطه حقوق طبیعی و هدفداری طبیعت و انسان
	<b>فصل دوم: آزادی و مساوات و نظر اسلام در مورد آن</b>
	<b>مقدمه</b>
۴۹	حق حیات
۴۹	حق حیات در نظام حقوقی اسلام
۵۰	اصل آزادی
۵۲	ریشه و منشأ آزادی در غرب
۵۵	آزادی فکر در اسلام
۵۷	ایمان اجبار بردار نیست
۵۸	آزادی تفکر و آزادی عقیده
۵۹	جهاد و آزادی فکر
۶۱	جهاد مبارزه با آیین حاکمه است نه تحمیل عقیده
۶۲	مقررات جهاد
۶۴	بحثی پیرامون آیه ﴿لا اکراه فی الدین﴾
۶۵	

۶۸	عوامل اساسی گرایش بدین اسلام
۷۰	رفتار مسلمین با ملل مغلوب
۷۲	آزادی بیان
۷۲	آزادی بیان از دیدگاه اسلام
۷۳	وجوب ابراز واقعیات و بیان حقایق در اسلام
۷۳	حد اظهار عقیده در اسلام
۷۸	سیره معصومین (ع) در برخورد با افکار مخالف
۸۰	موارد منع آزادی بیان در اسلام
۸۰	تفاوت دیدگاه اسلام و اعلامیه حقوق بشر در مورد آزادی
۸۳	تفاوت دیدگاه اسلام و مکاتب دیگر درباره آزادی
۸۵	مرجع تعیین حدود آزادی انسان
۸۵	اصل امنیت
۸۹	حق دادخواهی
۹۰	حق برخورداری از تأمین اجتماعی
۹۴	چند روایت در مورد تأمین اجتماعی در اسلام
۹۵	اصل مساوات
۹۶	مساوات اجتماعی
۹۷	مساوات در برابر قانون
۹۹	مبانی تساوی انسانها از دیدگاه اسلام
۱۰۳	مساوات در حقوق و تکالیف
۱۰۴	حقوق حیوانات در اسلام
۱۰۶	حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
	<b>فصل سوم: نظر اسلام در مورد برده داری</b>
۱۱۳	تاریخ بردگی
۱۱۴	آیا بردگی از نظر اسلام یک امر فطری است یا عرضی؟
۱۱۵	بردگی در اسلام
۱۱۶	هدف انبیاء (ع) رها ساختن انسانهاست
۱۱۸	تفاوت بردگی در اسلام با سایر ملل
۱۲۱	عتق
۱۲۱	عتق قهری

- عق و واجب  
 ۱۲۳  
 مواردی که شخص در تعیین نوع کفاره مخیر است  
 ۱۲۴  
 چرا اسلام یکباره برده داری را لغو نکرد  
 ۱۲۵  
 قضاوت دیگران راجع به برده داری در اسلام  
 ۱۲۹  
 سلاطینی که از اصلی برده بوده اند  
 ۱۳۱

### فصل چهارم: دیدگاه اسلام نسبت به پیروان سایر مذاهب

- پیشگفتار  
 ۱۳۵  
 خصوصیات فتوحات مسلمین  
 ۱۳۶  
 قرارداد ذمه  
 ۱۳۷  
 ماهیت قرارداد ذمه  
 ۱۳۹  
 متن قرارداد ذمه  
 ۱۴۲  
 مواد رکنی قرارداد ذمه  
 ۱۴۴  
 جزیه  
 ۱۴۸  
 تعهدات مسلمین  
 ۱۵۰  
 آزادی مراسم و شعائر مذهبی  
 ۱۵۲  
 امنیت معابد و اماکن مقدسه  
 ۱۵۳  
 آزادی مسکن  
 ۱۵۳  
 استقلال قضایی  
 ۱۵۴  
 آزادی تجارت  
 ۱۵۶  
 حق اجرا و رسمیت حقوق مدنی اقلیتها  
 ۱۵۸  
 روابط اخلاقی و اجتماعی مسلمین با اقلیتها  
 ۱۵۹  
 گواهی بیگانگان  
 ۱۶۱  
 کسانی که موظف به پرداخت جزیه می باشند  
 ۱۶۴  
 شرایط پیمان ذمه از نظر اهل سنت  
 ۱۶۵  
 دیدگاه اسلام نسبت به غیر اهل کتاب  
 ۱۶۶

### فصل پنجم: دیدگاه اسلام در مورد زن و مرد و علل تفاوت حقوق مرد و زن

- پیشگفتار  
 ۱۷۱  
 تساوی یا تشابه حقوق  
 ۱۷۴  
 مقام زن در جهان بینی اسلامی  
 ۱۷۶

۱۸۲	نظر بیگانگان در مورد مقام زن در اسلام
۱۸۶	دیدگاه جوامع دیگر در مورد زن
۱۸۸	تفاوت های زن و مرد
۱۸۸	دوگانگی زن و مرد از لحاظ جسمی
۱۹۲	علت عدم تشابه حقوق زن و مرد در اسلام
۱۹۲	تساوی زن و مرد در پاداش و کیفر اخروی
۱۹۴	برابری زن و مرد در کیفرهای دنیوی
۱۹۵	تفاوت مجازات زن و مرد در قصاص نفس
۱۹۷	برابری خونها
۲۰۲	مهر و نفقه
۲۰۴	مسئله اجازه پدر در ازدواج دختر
۲۰۶	اختلاف مرد و زن در ارث
۲۰۶	حق طلاق
۲۰۸	چرا اسلام طلاق را تحریم نکرد؟
۲۱۱	قضاوت زنان
۲۱۸	زن و ضرورت حجاب
۲۲۰	چند دستورالعمل اخلاقی درباره روابط خانوادگی
۲۲۲	چند روایت در مورد حقوق زن و مرد
	فصل ششم: اعلامیه اسلامی حقوق بشر و حقوق بشر از دید امام سجاد(ع)
۲۲۵	اعلامیه اسلامی حقوق بشر - قاهره
۲۳۵	حقوق بشر از دیدگاه امام سجاد(ع)
۲۴۰	منابع و مأخذ

## بسمه تعالی

مقدمه :

در عصر حاضر شاهد تجدید حیات اسلام در کشورهای اسلامی و گوشه و کنار جهان میباشیم. اسلام به عنوان یک نظام جامع الاطراف که می تواند پاسخ گوی نیازهای بشر در همه اعصار و ازمنه باشد جای خود را در افکار عمومی مسلمین باز نموده است و دیگر به دین به معنی عقیده مجرد و یا اصولی که بیانگر رابطه انسان با خداست نگریسته نمی شود بلکه مفهوم اسلام از یکسو شامل قلمرو رابطه انسان با خدا و رابطه انسان با خویشتن و رابطه انسان با دیگران و از سوی دیگر فراگیر نسبت به عقیده و زندگی است و احکام اسلام متضمن سعادت دنیوی و اخروی افراد میباشد (و ابغ فیما اتاک الله الدار الاخره ولاتنس نصیبک من الدنیا .) ۱

به موازات این گرایش استعمار گران و عمال داخلی آنها هم بیکار ننشسته و چون این حرکت را مخالف منافع خود میدانند به انحاء گوناگون در صدد مبارزه با آن برآمده اند و از جمله مسائلی که عنوان می کنند یکی مسئله فردی بودن دین است و این که دین از سیاست جداست و حقوق ارزش این را ندارد که خدا درباره آن دخالت نماید. خداوند امور مردم را به خود مردم وا گذاشته تا بر اساس عقل خویش آنرا اداره نمایند چنانکه یکی از اساتید دانشگاه پاریس بنام شفیق شماته ضمن کوشش برای اثبات مطلب فوق می گوید:

خدا در بسیاری از موارد از طلاق و نکاح و... نام برده ولی این به معنای اهمیت خاص و لازم الاجرا بودن آن نیست، زیرا امور دنیوی از نظر خداوند اهمیتی

۱) سوره قصص: ۷۷ \* همچنین رک. قرآن سوره بقره آیه ۲۰۰ سوره مائده: ۸۷ و ۸۸ حدید: ۲۷، جاثیه: ۱۳

بیشتر از آن ندارد که اختیار آنرا به دست عقل بسپارد. ( یعنی شأن مطلب پایین تر از انست که خداوند دخالت نماید. )

سپس می افزاید: حقوق اسلام کاملاً از دین جداست و اگر احکامی از قرآن به حقوق اسلامی راه یافته است باید با دیدگاه حقوقی به آن نگرست نه دیدگاه دینی، چون حقوق اسلامی مجموعه احکامی است که بر مبنای عقل عملی بنا شده است.

در حال حاضر، در سراسر جهان اسلام جریانی وجود دارد که دین را از حکومت جدا سازد. کتابی که تحت عنوان، اصول الحکم فی الاسلام در این زمینه به قلم علی عبدالرازق نوشته شد هر چند بوسیله جامعه الازهر محکوم گشت اما در سراسر جهان اسلام اثر گذاشته و مسیر خود را طی می کند. <sup>۱</sup>

و مسئله دیگری که توسط اینها مطرح می شود این است که اسلام و احکام آن قادر نیست که نیازهای حقوقی جوامع پیچیده کنونی را در زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و بین المللی رفع کند و به قول یکی از افراد لائیک « بلکه حکومت اسلامی هم به جای خود حرفی است، اما باید دید که مقصود آن چیست؟ و اساساً اسلام چه رژیمی را میتواند توصیه کند، و چطور ممکن است در دنیای امروز، با یک رشته از مفاهیم مبهم جامعه را اداره کرد. و باز به اسم حکومت اسلامی، زنان را از آزادیهایی که به دست آورده اند دگر باره محروم ساخت و آنها را در کنج خانه ها حبس کرد. و بار دیگر از این همه اتومبیل چشم پوشید و سوار الاغ شد. و اصولاً مگر جنبش و مردم حاضر می شوند بپذیرند که یک عده ایده ایست و آخوند مسلک که قادر به تماس با مقامات بین المللی نیستند و نمی توانند اموری از اینگونه را اداره کنند

۱) شفیق شماته، آرشیو فلسفه حقوق به نقل از درآمدی بر حقوق اسلامی: ۲۱



و خصوصاً "درفتق ورتق قراردادهای مهم بین المللی اعم از سیاسی و اقتصادی تخصص و تبصری ندارند اینکارها را بدست گیرنده همه شعارهای راجع به حکومت اسلامی و... ایده آلیستی است." ۱

وبالاخره برخورد غرض آلود و دروغ زنانه و ریاکارانه با فرهنگ و تمدن کشورهای زیر سلطه و عرضه تحلیلات نادرست و تحریف تاریخ این کشورهای که خطرناک تر از برخوردهای خوشونت بار نظامی است و درعین حال چون این امور از ظرافت و دقتی خاص برخوردار است و درطول سالیان دراز و آرام صورت می پذیرد و آثارش نیز پس از گذشت سالها قابل لمس و درک میگردد. توجه افراد کمتر معطوف بدان میشود و ارزیابی نتایج شومش مورد غفلت قرار میگیرد.

اگر جامه و دولتی نزد افکار عمومی مردم جهان چهرهای نامطلوب پیدا کند سرکوبی اش آسانتر صورت میگیرد و با سهولت بیشتر به زیر سلطه و سیطره درمی آید و در این حالت، مداخله سیاسی و حتی نظامی دران کشور با بی اعتنایی فراوانتری روبرو می شود، هم در میان مردم کشور مداخله گر و هم در افکار عمومی مردم دیگر کشورهای جهان.

«تحریف حقایق تاریخی، در وجدان و طرز تفکر هما هنگ تاریخی یک قوم، خلل وارد می آورد. این قوم اگر قوم سلطه گر باشد برخوردش را با قوم زیر سلطه بر اساس آموخته هایش از تاریخ این قوم تنظیم میکند و وقتی بر اساس آموخته ها و دریافت هایش و قوم زیر سلطه را وحشی و پرخاشگر یافت، رفتارش باوی، رفتاری خشن، کینه توزانه و انتقام جویانه می شود و به فرض آنکه بخواهد انسانی رفتار کند، به منظور تربیت و برکشیدن این قوم به مرتبه انسانی و زدودن آثار سوء گذشته، رفتارش قیم مآبانه خواهد بود، و این طرز رفتار

(۱) بقتل از کتاب جامعه، فرهنگ و سیاست: ۹۰

قوم زیر سلطه را بیش از پیش درهم خواهد شکست و پریشان خواهد ساخت . اکنون اگر قومی که در وجدان تاریخش خلل وارد می‌آید قوم زیر سلطه باشد تعادل روحی را از دست می‌دهد و دیر یا زود می‌پذیرد که انسانی درجه دوم است . اجدادش اشتباه کرده اند و اعتقاداتش که همان اعتقادات آباء و اجدادی است، در گذشته موجب خرابی و ویرانی دنیا شده است و اگر موانعی که پیش آمده است، پیش نمی‌آمد، معلوم نبود که جهان چه سرنوشت شومی می‌داشت این سنخ تحلیل که توسط عاملان داخلی و تباغیات خارجی استعمار با آب و تاب در مدرسه و دانشگاه رادیو و تلویزیون ، جلسات سخنرانی و اداره و محل کسب و کار در روزنامه و ... عرضه میشود قوم زیر سلطه را از تاریخ گذشته، از اعتقادات آباء و اجدادی و از روش زندگی قدیمی بیزار میکند و روشن است که قومی با این طرز تلقی و با باورهایی از اینگونه، هم به لحاظ روان شناسی جمعی و به لحاظ فرهنگی در هم شکسته و از میان رفته است و راه دیگری جز تشبه جویی به قوم استعمار گر برایش باقی نمی ماند، هنگامیکه این آشفته سازی وجدان تاریخی اقوام با ویرانگری موسسات فرهنگی و تمدنی و وسائل و ابزار ارتباطات فرهنگی هم عنان باشد، فراگرد از میان بردن این اقوام به عنوان صاحبان تمدن و فرهنگ ویژه به مرحله کمال نزدیکتر می شود.) ۱

از جمله تحریف حقایق تاریخی این است که غرب خود را تنها پرچمدار احقاق حقوق بشر و مبارزه با نقض حقوق بشر در جهان می داند و اینکه حقوق بشر از ابتکارات اروپائیان است و دیگران را در آن سهمی نیست . حال آنکه بهره گیری فرهنگ غرب از اسلام و دیدگاههای اندیشمندان اسلامی در علوم مختلف امر غیر قابل تردیدی است که بسیاری از دانشمندان غیر مسلمان نیز به آن تصریح کرده اند به عنوان مثال می توان از «راسل ، وتر ، جرج سارتن ، ویل

دورانت ، حنا الفاخوری ، پی یر روسو ، جان برنال و ... » یاد کرد که هر یک در این باب سخن گفته اند . جان برنال می گوید:

« در این روزگار دیگر تأثیر مهم و چشم گیر آنان (مسلمانان) را در تاریخ تمدن اسلامی همگان پذیرفته اند. » حنا الفاخوری می گوید : « علمای غرب دانش را از اسلاف خود که شاگردان مکتب مسلمین بودند ، فرا گرفتند ولی شاگردان را بد نام ساختند و استادان را از یاد بردند. » ۱

مبنای حقوق بشر :

((مبنای حقوق بشر حقوق فطری و طبیعی است که منطبق با اصل عدل است که یکی از ارکان کلام و فقه اسلامی است . اصل عدل همان اصلی است که قانون تطابق عقل و شرع را در اسلام به وجود آورده است یعنی از نظر فقه اسلامی - و لا اقل فقه شیعه - اگر ثابت شود که عدل ایجاب می کند که فلان قانون باید چنین باشد نه چنان و اگر چنان باشد ظلم است و خلاف عدالت است ، ناچار باید بگوییم حکم شرع هم همین است ، زیرا شرع اسلام طبق اصلی که خود تعلیم داده هرگز از محور عدالت و حقوق فطری و طبیعی خارج نمی شود .

علماء اسلام با تبیین و توضیح اصل (عدل) پایه فلسفه حقوق را بنا نهادند: گو اینکه در اثر پیشامدهای ناگوار تاریخی نتوانستند راهی را که باز کرده بودند ادامه دهند: توجه به حقوق بشر و به اصل عدالت بعنوان اموری ذاتی و تکوینی و خارج از قوانین قراردادی اولین بار به وسیله مسلمین عنوان شد، پایه حقوق طبیعی و عقلی را آنها بنا نهادند. )) ۲

اما مقدر چنین بود که آنها کار خود را ادامه ندهند و پس از تقریباً هشت

۱) به نقل از درآمدی بر حقوق اسلام: ۱۰

۲) نظام حقوق زن در اسلام: ۱۵۶

قرن دانشمندان و فیلسوفان اروپایی آنرا دنبال کنند و این افتخار را به خود اختصاص دهند. منتسکیو می گوید: «پیش از آنکه انسان قوانینی وضع کند، روابط عادلانه ای بر اساس قوانین بین موجودات امکان پذیر بوده، وجود این روابط موجب وضع قوانین شده است. حال اگر بگوییم جز قوانین واقعی و اولیه که امر و نهی می کنند هیچ امر عادلانه یا ظالمانه دیگر وجود ندارد مثل اینست که بگوییم قبل از ترسیم دایره تمام شعاع های آن دایره مساوی نیستند.»

هربارت اسپنسر می گوید: «عدالت غیر از احساسات با چیزی دیگر آمیخته است که عبارت از حقوق طبیعی افراد بشر است و برای آنکه عدالت وجود خارجی داشته باشد باید حقوق و امتیازات طبیعی را رعایت و احترام کنند.»<sup>۱</sup>

حکماء اروپایی که این عقیده را داشتند و دارند فراوانند، حقوق بشر که اعلانها و اعلامیه ها برای آن تنظیم شد و مواردی به عنوان حقوق بشر تعیین شد از همین فرضیه حقوق طبیعی و فطری بود که بصورت اعلامیه های حقوق بشر ظاهر شد. چنانکه میدانیم آنچه منتسکیو، اسپنسر و غیر آنها درباره عدالت گفته اند عین آن چیزی است که متکلمین اسلام درباره حسن و قبح عقلی و اصل عدل گفته اند. در میان علماء اسلامی افرادی بودند که منکر حقوق ذاتی بوده و عدالت را قراردادی میدانسته اند همچنانکه در میان اروپا ئیان نیز این عقیده وجود داشته است. هوبز منکر عدالت بصورت یک امر واقعی است.<sup>۲</sup>

۱) نظام حقوق زن در اسلام: ۱۵۸

۲) همان: ۱۵۹

## تاریخچه حقوق بشر در اروپا :

در اروپا از قرن ۱۷ به بعد بنام حقوق بشر زمره‌های آغاز شد. نویسندگان و متفکران قرن ۱۷ و ۱۸ افکار خود را در باره حقوق طبیعی و فطری و غیر قابل سلب بشر با پشتکار عجیبی در میان مردم پخش کردند. ژان ژاک روسو و وولتر و منتسکیو از انیدسته‌های متفکران و نویسندگانند. اولین نتیجه عملی که از نشر افکار طرفداران حقوق طبیعی بشر حاصل شد این بود که در انگلستان یک کشمکش طولانی میان هیئت حاکمه و ملت بوجود آمد. ملت موفق شد در سال ۱۶۸۸ میلادی پاره‌ای از حقوق اجتماعی و سیاسی خود را طبق یک اعلام نامه حقوق پیشنهاد کنند و مسترد دارند. ۱

بعد از نمایان شدن طلیعه انقلاب در کشور فرانسه، یکی از مهمترین اسنادی که از حیث انشاء حقوق طبیعی و فردی و شیوه نگارش و بیان و همچنین کلیت و عمومیت شهرت جهانی یافت، اعلامیه حقوق بشر و شهروند مصوب ۲۶ اوت ۱۷۸۹ است که بعنوان دیناچه قانون اساسی سال ۱۷۹۱، یعنی نخستین قانون اساسی انقلابی فرانسه، مورد قبول واقع شد که در مقدمه آن آمده است « نمایندگان مردم فرانسه، که در مجلس ملی گرد هم آمده‌اند، با این باور که، عدم شناسایی، فراموشی یا تحقیر حقوق انسانها، تنها علل ننگون بختی‌های مردم و فساد حکومت می‌باشد، تصمیم گرفتند که حقوق مقدس و مستدام انسان را در یک منشور رسمی بیان کنند، تا این منشور، همواره در پیش روی مسئولان قرار داشته، حقوق و تکالیفشان را بیاد آورد، تا بتوان اعمال قوه مقننه و قوه مجریه را در هر زمان، با هدف نهادهای سیاسی انطباق داد و محترم شمرد و خواسته‌های شهروندان را پیوسته بر اساس اصول ساده و تعرض نا پذیر، در جهت حفظ قانون اساسی و خوشبختی همگانی را رهبری

(۱) تاریخ البرماله به نقل از نظام حقوق زن در اسلام: ۱۶۲

کرد. « ۱

اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹، سپس با اندک تغییراتی در اغلب قوانین اساسی و منشورهای اساسی این کشور در سر لوحه قرار گرفت و به عنوان الگویی در قوانین اساسی کشورهای اروپایی بکار رفت. بعد از جنگ جهانی اول اغلب کشورهای اروپایی، دارای اعلامیه حقوق بشر شدند و این سنت ادامه پذیرفت، بطوریکه تقریباً کلیه کشورهای که بعد از سال ۱۹۴۵ (جنگ جهانی دوم) صاحب قانون اساسی شدند، بدین شیوه تمسک جستند. در سال ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر رسید که متن آن به شرح ذیل است:

متن اعلامیه جهانی حقوق بشر: ۲

نظر به اینکه بزرگداشت و شرف و حیثیت که ملازم همه افراد خاندان بشری است، و بزرگداشت حقوق برابر و انتقال ناپذیر آنان، پایه آزادی و عدالت و صلح است،

نظر باینکه نشناختن حقوق بشر و پست انگاشتن آن، به کارهای وحشیانه ای کشیده است که مایه اهانت وجدان بشری است،

نظر به اینکه بالاترین آرزوی افراد بشر آن است که جهانی پدید آید که نوع بشر در آن جهان از آزادی فکر و بیان برخوردار، و از بیم و پشیمانی رها باشد،

نظر باینکه پشتیبانی از حقوق بشر بوسیله یک نظام حقوقی امری اساسی است تا انسان به فرجام و اداری نشود بعنوان آخرین درمان در مقابل خودسری و

(۱) حقوق اساسی و نهادهای سیاسی: ۶۳۸

(۲) ترجمه دکتر اسد... مبشری در کتاب حقوق بشر: ۱۰۵ که با ترجمه دکتر حسین مهر پور در کتاب

حقوق بشر در اسناد بین المللی تطبیق شد.

ستم، دست به شورش زند،

نظر به اینکه توده های مردم ملل متحد از نو باز ایمان خود را راجع بحقوق اصلی بشر و راجع بشرف و ارزش زن و مرد در منشور ابراز داشته اند، و که بر آن شده اند تا پیشرفت اجتماعی را تسهیل کنند و بهترین وضع زندگانی را در مهد کاملترین آزادی بوجود آورند،

نظر به اینکه دولت های عضو متعهد شده اند که با همکاری با سازمان ملل متحد، احترام واقعی و جهانی حقوق بشر و آزادیهای اساسی را تأمین کنند، نظر باینکه برای تحقق یافتن کامل تعهد یاد شده، همه باید از حقوق و آزادیهای مزبور تفاهم مشترک داشته باشند و نظر باینکه تشویق برای گسترش روابط دوستانه بین ملل امری است اساسی، بنابراین مجمع عمومی، این اعلامیه حقوق بشر را بمنزله نمودار کمال مطلوب عام که شایسته چنان است که همه توده های مردم و همه ملت ها برای تحقق بخشیدن آن بکوشند، ندا در میدهد تا همه افراد و همه گروههای اجتماعی در حالی که آنرا پیوسته نصب العین خویش قرار میدهند از راه آموزش و پرورش بکوشند تا حرمت حقوق و آزادیهای یاد شده را گسترش بخشند و با تدبیرهای پیشرو، قبول و اجرای جهانی و واقعی آنرا همان اندازه در میان توده های خود دولتهای عضو، که در بین گروههای سرزمینهاییکه زیر فرمان آنهاست تأمین کنند،

ماده ۱- همه افراد آزاد و با حیثیت و حقوق یکسان زائیده میشوند و دارای موهبت خرد و وجدان می باشند و باید با یکدیگر با روحیه برادری رفتار کنند.

ماده ۲- هر کس می تواند از کلیه آزادیها که در اعلامیه حاضر بآن تصریح شده است، بی هیچگونه برتری، منجمله برتری از نظر نژاد و رنگ و جنس و زبان و دین یا هر عقیده دیگر، و از نظر زاد و بوم یا موقعیت اجتماعی، و از نظر توانگری و نسب، یا هر وضع دیگر بهره مند گردد، نیز هیچ امتیازی بر اساس نظام سیاسی یا قانونی یا بین المللی مربوط به کشور یا سرزمینی که





## ماده ۱۱-

(۱) هر کس متهم بارتکاب جرمی باشد تا وقتی تقصیر او در طی محاکمه علنی که در آن هر گونه تضمینی ضروری برای دفاع تأمین شده باشد قانوناً به ثبوت نرسد بیگناه محسوب است.

(۲) همچنین هیچ کس به علت ارتکاب عملی یا خودداری از عملی محکوم نخواهد شد مگر وقتی که آن کار بموجب قوانین ملی یا بین المللی در هنگام ارتکاب، جرم محسوب باشد. نیز هیچ کس به مجازاتی بیش از مجازات مقرر در هنگام ارتکاب جرم محکوم نخواهد شد.

ماده ۱۲- زندگانی خصوصی یا امور خانوادگی یا محل سکونت، یا مراسلات کسی نباید در معرض دخالت خودسرانه واقع شود. نیز به حیثیت و حسن شهرت هیچ کس نمی توان حمله کرد. هر کس حق دارد در این گونه دخالتها یا اینگونه تجاوزها از پشتیبانی قانون برخوردار گردد.

## ماده ۱۳-

(۱) هر کس حق دارد در داخل هر کشور آزادانه نقل مکان کند و هر کجا بخواهد اقامت گزیند.

(۲) هر کس می تواند هر کشوری را که بخواهد، منجمله کشور خود را ترک کند و می تواند به کشور خود بازگردد.

## ماده ۱۴-

(۱) هر کس حق دارد برای گریز از هر گونه شکنجه و فشار بجایی پناهنده شود. نیز میتواند در سایر کشورها از پناهندگی استفاده کند.

(۲) در جرایم غیر سیاسی یا اموری که مخالف با اصول و هدفهای ملل متحد باشد نمی توان از حق پناهندگی استفاده کرد.

## ماده ۱۵ -

(۱) هر کس نمی تواند هر ملیتی را بخواهد بپذیرد.

(۲) هیچ کس را نمی توان خودسرانه از ملیت او محروم ساخت یا حق تغییر ملیت را از او مسلوب کرد .

ماده ۱۶ -

(۱) زن و مرد وقتی به سن ازدواج برسند می توانند بدون هیچ قید نژادی و ملی و دینی ازدواج کنند و خانواده بنیاد گذارند. آنان بهنگام زناشویی و در اثناء و در هنگام انحلال آن دارای حقوق متساوی می باشند .

(۲) عقد ازدواج جز با رضای آزادانه همسران آینده قانونی نیست .

(۳) خانواده عنصر طبیعی و اساسی اجتماع است و باید از پشتیبانی جامعه و دولت برخوردار شود.

ماده ۱۷ -

(۱) هر کس به تنهایی یا با شرکت دیگری دارای حق مالکیت است .

(۲) مالکیت هیچکس را نمی توان بر خلاف قانون از وی سلب کرد.

ماده ۱۸ - هر کس دارای حق آزادی فکر و ضمیر و دین است . لازمه این حق

آن است که هر کس خواه به تنهایی یا با دیگران علنی یا خصوصی از راه تعلیم و پیگیری و ممارست، یا از طریق اقامه شعائر و انجام مراسم دینی ، بتواند آزادانه ، دین و یقینات خود را ابراز کند.

ماده ۱۹ - هر کس آزاد است هر عقیده ای را بپذیرد و آنرا بزبان بیاورد و

این حق شامل پذیرفتن هر گونه رأی بدون مداخله اشخاص می باشد و می تواند بهر وسیله ای که بخواهد بدون هیچ قید و محدودیت به حدود جغرافیایی، اخبار و افکار را تحقیق نماید و دریافت کند و انتشار دهد.

ماده ۲۰ -

(۱) هر کس حق دارد آزادانه در احزاب و جماعت های مسالمت آمیز شرکت

جوید.

(۲) هیچ کس را نمی توان وادار ساخت به حزبی بپیوندد.

## ماده ۲۱-

(۱) هر کس حق دارد مستقیماً یا بوسیله نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند در اداره امور عمومی کشور خود شرکت جوید.

(۲) هر کس حق دارد مانند دیگران متصدی مشاغل عمومی کشور خود گردد.

(۳) اراده ملت اساس قدرت اختیارات ملی است. این اراده بوسیله انتخابات شرافتمندانه صورت میگیرد که دوره بدوره از طریق انتخابات عمومی یکسان، با رأی مخفی یا بنا به روش مشابه با آن که آزادی رأی را تأمین کند انجام می یابد.

ماده ۲۲- هر کس از حیث اینکه عضو جامعه محسوب است حق دارد از تأمین اجتماعی برخوردار گردد، و می تواند به کمک کوشش ملی و یاری بین المللی با توجه به سازمان و امکانات هر کشور از حقوق اقتصادی واجتماعی و فرهنگی که با حیثیت و تکامل آزاد شخصیت انسانی ملازمه داشته باشد بهره ور گردد.

## ماده ۲۳-

(۱) هر کس حق کار و حق برگزیدن آزادانه کار با شرایط عادلانه و ارضاء کننده دارد، نیز حق دارد که در مقابل بیکاری حمایت شود.

(۲) هر کس در مقابل کار مساوی، بدون هیچگونه رعایت امتیاز، حق دستمزد مساوی دارد.

(۳) هر کس در مقابل کار، حق دارد دستمزدی منصفانه و ارضاء کننده دریافت کند که برای او و خانواده اش وجه معیشتی فراهم آورد که شایسته حیثیت کمال یافته انسانی باشد و در صورت مقتضی حق دارد از کلیه وسائل حمایت اجتماعی استفاده نماید.

(۴) هر کس حق دارد برای پشتیبانی از منافع خود، با دیگران تشکیل سندیکا بدهد و عنصر سندیکائی شود.

